



بررسی نقش روابط همسایگی به عنوان اصلی اسلامی در مطلوبیت شهرها (بررسی تطبیقی وین و دمشق)

محسن رفیعیان^۱، کیمیا طهماسبی^۲، مهدی اسماعیل پور^۳

۱- دانشیار شهرسازی، دانشگاه یزد، mrafian@yazd.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد

۳- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه یزد

چکیده

بی شک، همسایگی یکی از بارزترین گونه های زیست اجتماعی و از مصادیق این آموزه های دینی و عقلانی است که در آن، همزیستی بر پایه مؤلفه هایی از قبیل همیاری، تعاون و رعایت حقوق یکدیگر استوار است و در الگوی سبک زندگی مؤمنانه در شاکله ای منسجم، ترسیم می شود. انسان حی متاله است به عنوان موجودی خداجو همواره در تکاپوی عبودیت است. در این زمینه، هر چه شهر بیشتر با اصول فطری سازگار باشد، به همان اندازه موفق تر خواهد بود و رابطه مستقیمی میان موفقیت یک شهر و میزان انطباق آن با فطرت انسانی وجود دارد. فطرت مشترک انسان ها نیازمند توجه ویژه ای است، به طوری که باید بسترهایی را فراهم کند که امکان بروز و ظهور ادراک و رفتار مؤمنانه در فضای شهری به وجود آید. در نهایت معیاری که برای یک شهر مطلوب و شهرسازی انسانی و فطری مطرح می شود، حفظ توجه به عالم بالاتر و محوریت عبودیت در تمامی مراحل طراحی و اجرا است. به این ترتیب، ایجاد فضایی که بتواند به نیازهای روحی و اجتماعی شهروندان پاسخ دهد، نه تنها یک ضرورت در شهرسازی مدرن به شمار می رود، بلکه می تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری و تحقق اهداف انسانی نیز کمک شایانی کند. نتایج این پژوهش به چند نکته کلیدی اشاره دارد: نخست اینکه الگوهای در شهرها که مبتنی بر روابط همسایگی بوده اند، حتی در شهرهایی که اسلام در آن ها رواج نداشته، موفقیت بیشتری را تجربه کرده اند و هر جا که روابط همسایگی وجود نداشته، حتی اگر اسلام در آن رواج داشته، موفقیت کمتری دیده شده است. دوم اینکه انسان به عنوان حی متاله با فطرت خداجوی، همواره به دنبال عبودیت است؛ در نهایت این روابط همسایگی و اجتماع محوری می تواند در قالب یک کمر بند محافظ، در الگوی پیشبرد دانش شهرسازی قرار گیرد و به تقویت هسته ی مقاوم آن، یعنی توجه به عالم به بالا، کمک شایانی کند.

واژه های کلیدی

روابط همسایگی، اسلام، مطلوبیت شهر، دمشق، وین

۱- مقدمه

بشر در طول تاریخ همواره برای دستیابی به نیازهای گوناگون خود به شکل جمعی، زیست کرده و از آنجا که سرشتی اجتماعی دارد که بالطبع محتاج اجتماع بوده و به تدریج با ایجاد سکونتگاه‌های کوچک و سپس شهرها، به دنبال پاسخ دادن به این نیازهای طبیعی بوده است. در باب این که چه عاملی آدمی را به زندگی اجتماعی سوق داده و می‌دهد، برخی از جامعه‌شناسان شرایط زیستی، اقلیمی و محیطی را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری جوامع انسانی ذکر کرده و برخی نیز عوامل درونی انسان‌ها یعنی گرایش‌های عاطفی و روحی و نیز جنبه‌های عقلانی را مؤثر دانسته‌اند، گرچه در منطق اسلام، مهم‌ترین عامل پیدایش و تداوم اجتماع بشری، وحدتی فرا مادی دانسته شده که سبب انس و الفت بین اعضای جامعه شده است: «فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً» (سوره آل عمران: ۱۰۳) و عوامل دیگر را در بر می‌گیرد. اجتماعی بودن انسان، چه منشأ درونی و طبیعی داشته باشد، چه خواستگاه بیرونی و یا آمیزه‌ای از هر دو، بازتاب و کارکردهایی در زندگی انسان دارد که تمامی ابعاد زندگی و حتی شخصیت و هویت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز سعادت و شقاوت فرد را تعیین می‌کند. این تأثیرپذیری بدان علت است که جامعه و زندگی اجتماعی، اقتضائات و لوازمی دارد که انسان با ورود و عضویت در آن، به‌طور طبیعی در قالب نظم‌های انسجام‌یافته و مرسوم آن قرار می‌گیرد و از همین‌رو، وادار به انجام اعمال و رفتارهایی می‌شود که در نهایت، در هویت، سعادت و شقاوت او تأثیرگذار خواهند بود (قنبری‌نیک، ۱۳۹۳).

حق همسایگی یکی از اصول بنیادین در زندگی اجتماعی مسلمانان به شمار می‌آید که در آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به خوبی به آن اشاره شده است. این حق نه تنها از بُعد اخلاقی و اجتماعی، بلکه به عنوان یکی از ارکان بنیان‌گذار جامعه اسلامی تلقی می‌شود. حیاط مرکزی خانه‌ها، به عنوان فضایی برای تعامل و ارتباط میان همسایگان، نقش مهمی را در تقویت این روابط ایفا می‌کند. پیامبر (ص) در رابطه با همسایگی فرمودند: «جبرئیل مرا نسبت به همسایه سفارش کرد تا جایی که گمان کردم همسایه را وارث قرار خواهد داد» (بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۴۳). این روایت بیانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای است که اسلام به حق همسایگی داده است. تأکید قرآن مجید بر رعایت حقوق همسایگان نیز در آیه ۳۶ سوره نساء به چشم می‌خورد: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ» (النساء: ۳۶). در این آیه، خداوند به وضوح بر نزدیکی جغرافیایی همسایگان تأکید کرده و در کنار دعوت به عبادت و احترام به والدین، به احسان به همسایگان نیز اشاره دارد. برقراری ارتباط با همسایگان و ایجاد تعامل اجتماعی به تقویت حس همدلی و همدردی بین افراد جامعه کمک شایانی می‌کند. امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه به حق همسایگی اشاره کرده و فرموده‌اند: «حق همسایه، از حقوق راه و پدر و مادر برتر است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴). این پیام نشان‌دهنده جایگاه ویژه همسایگی در اسلام است و اهمیت آن را در زندگی اجتماعی مسلمانان نمایان می‌کند. حیاط مرکزی خانه‌ها به عنوان ملکی مشترک، موقعیتی را برای ملاقات، گفت‌وگو و همکاری در امور روزمره فراهم می‌آورد. این فضا امکان تعامل چهره به چهره را آسان‌تر کرده و باعث گسترش روابط دوستانه بین همسایگان می‌شود. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «کسی که به همسایه‌اش نیکی کند، خداوند او را به بهشت خواهد برد» این حدیث به خوبی نشان‌دهنده تأثیر مثبت نیکی به همسایه در زندگی فردی و اجتماعی است.

بی‌شک، همسایگی یکی از بارزترین گونه‌های زیست اجتماعی و از مصادیق این آموزه‌های دینی و عقلانی است که در آن، همزیستی بر پایه مؤلفه‌هایی از قبیل همیاری، تعاون و رعایت حقوق یکدیگر استوار است و در الگوی سبک زندگی مؤمنانه در شاکله‌ای منسجم، ترسیم می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی، همسایگان نه تنها به عنوان افرادی که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، بلکه به عنوان افرادی که حقوق و مسئولیت‌هایی در قبال یکدیگر دارند، شناخته می‌شوند. حیاط مرکزی خانه‌ها به عنوان فضایی برای تعامل اجتماعی، شرایط را برای ارتباط نزدیک‌تر و پیوندهای قوی‌تر بین همسایگان فراهم می‌آورد. با تأکید بر این



حق، پیامبر اکرم (ص) و جانشینان ایشان، به مسلمانان یادآور می‌شوند که احسان به همسایگان نه تنها نشانه ایمان و اخلاق است، بلکه به بهبود سلامت و همبستگی اجتماعی نیز کمک می‌کند. به طور خلاصه، رعایت حق همسایگی و برقراری تعاملات مثبت در میان همسایگان، نه تنها از منظر دینی بلکه از دیدگاه اجتماعی، انسان‌ها را به ایجاد یک جامعه هماهنگ و همدل سوق می‌دهد.

۲- پیشینه تحقیق

روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده با توجه به مقایسه روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی دمشق و وین به صورت مقایسه‌ای با روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی است. این مقاله در ابتدا به مطالعات اسنادی و کتاب‌شناسی موضوعی و جمع‌آوری منابع پرداخته است، سپس مطالعات و مطالب لازم از اسناد و گزارش‌های مختلف در این زمینه، پس از بررسی و مطالعه اجمالی استخراج شده است و سپس به مشاهده عینی و انجام عملیات میدانی مورد نیاز با روش تحقیق توصیفی در بررسی وضع موجود روابط همسایگی در تطبیق با اصول اسلامی در این حوزه پرداخته است.

۳- مفاهیم و مبانی نظری

۳-۱- سبک زندگی در روابط همسایگی

از دیدگاه زیمل^۱، سبک زندگی به عنوان تجلی تلاش‌های انسان برای کشف و بیان ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی تلقی می‌شود و همچنین شامل شناساندن این ارزش‌ها به دیگران است. وبلن^۲ نیز به این ایده اشاره دارد که سبک زندگی به الگوهای رفتاری جمعی مرتبط با آداب و رسوم اجتماعی و شیوه‌های فکری گوناگون بستگی دارد (کاویانی، ۱۳۸۷). در همین راستا، بورديو^۳ مفهوم سبک زندگی را به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های نظام‌مند تعریف می‌کند که ریشه در ذوق و سلیقه فرد دارد و عمدتاً جنبه‌های عینی و ملموس را پوشش می‌دهد. به علاوه، این فعالیت‌ها به طور نمادین، هویت فرد را شکل می‌دهند و سبب تمایز بین اقشار مختلف اجتماعی می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲). با توجه به عناصر و مؤلفه‌های مهم موجود در تعاریف و نظریه‌های ذکر شده، روابط همسایگی به عنوان یکی از ارکان کلیدی در همبستگی‌های اجتماعی، اهمیت خود را آشکار می‌سازد. این روابط نه تنها منعکس‌کننده ابعاد مادی و معنوی زندگی افراد است، بلکه شامل حوزه‌های رفتاری متعددی می‌شود که الگویی همگرا و یکدست از رفتارها را بر پایه گرایش‌های مشترک ترسیم می‌کند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷).

بنابراین، در بررسی تأثیر دین بر سبک زندگی، می‌توان به دو نکته اصلی اشاره کرد: اولاً، دین سعی دارد در فرایند تأثیرگذاری خود بر سبک زندگی، انسان را به سمت اهداف نهایی خود هدایت کند. این تأثیر می‌تواند به صورت تجلی برخی از آموزه‌ها و نمادهای دینی به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی خود را نشان دهد. ثانیاً، تسلط گفتمان یا فرهنگ یک دین خاص می‌تواند وحدت نسبی در سبک‌های زندگی یک جامعه ایجاد کند؛ درحالی‌که تفرق در این گفتمان می‌تواند به تنوع و تکثر سبک‌های زندگی منجر شود (کاویانی، ۱۳۸۷). به این ترتیب، سبک زندگی نه تنها به عنوان نتیجه‌ای از فرهنگ و دین، بلکه به عنوان میدان تعاملات اجتماعی همسایگی و ارتباطات انسانی نیز در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به تکوین هویتی کلی و فرهنگی در جامعه کمک کند.

¹ Georg Simmel

² Thorsteinbunde Veblem

³ Pierre Bourdieu



دومین همایش شجره طیبه بسیج

بسیج و مردمی سازی در تقابل با نئولیبرالیسم

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - دانشگاه یزد

۲-۳- همسایگی از منظر قرآن و سنت

معادل لفظ همسایه، در زبان عربی "جار" و "جنب" است (مصطفوی، ۱۳۶۸). که جمع آن را "جیران" گفته‌اند. همسایه به کسی گویند که سایه خانه‌اش به‌سوی خانه مجاور تمایل دارد. همسایه هم دیوار، دو تن یا دو خانواده که در کنار هم خانه دارند یا در دو قسمت یک خانه زندگی می‌کنند (دهخدا). در قرآن کریم، این لفظ برای پناه خواستن یا پناه دادن به فرد درمانده‌ای که با خطر روبه‌رو شده، به‌کاررفته است. خداوند متعال، قانون تعهد، پناهندگی و پناه دهی را با رحمت الهی خود میان بندگان، عامل امن و پناهگاهی قرار داده که در همسایگی آن با احساس امنیت به زندگی خویش ادامه دهند. امام علی (ع) کسی که دنیا را به‌عنوان پناهگاه خویش برگزیده، مذمت کرده است. سید عبدالله شبر ذیل تفسیر آیه ۳۶ سوره نساء ۳ درباره هر یک از مفاهیم (جار ذی القربی) و «جار الجنب» سه معنا ذکر می‌کند و می‌گوید؛ مراد از ((ذی القربی)) همسایه نزدیک یا خویشاوند یا هم‌عقیده است و مراد از «جنب» همسایه دور در فاصله، خویشاوند یا اعتقاد است. علامه طباطبایی (ره) معتقد است که از جمله ((وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ)) به قرینه مقابله وصف می‌توان فهمید که مراد از ((جار ذی القربی)) همسایه نزدیک است و مقصود از «جار الجنب» همسایه اجنبی است و جمله «وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» یعنی کسی که همیشه نزد آدمی باشد و چه در سفر و چه در حضر مصاحب او باشد. به عبارت دیگر، مراد کسی است که با شخصی انس و مصاحبتی دارد؛ چه در منزل یا محل کار یا در مجامع دیگر. بنابراین، به خانواده، ارحام و اقرباء، هم‌نشین، همسایه، شریک باید احسان کرد. علامه طبرسی ذیل این آیه می‌گوید که مراد از (الجار ذی القربی)، همسایگانی هستند که به سبب اسلام به انسان نزدیک هستند و مراد از (الجار الجنب)، همسایه‌ای است که مشرک است و در دین از انسان دور است. دلیل ارائه چنین تفسیری از دو واژه قرب و جنب، این است که مبنای خویشاوندی حقیقی در اسلام، عقیده است؛ زیرا خویشاوندی خونی و نسبی، هرچند مهم است، ولی یک ارزش نیست؛ آنچه ارزش است، خویشاوندی مبتنی بر عقیده است (قنبری‌نیک، ۱۳۹۳)؛ زیرا هدف اسلام در یک مرحله ساخت امت و جامعه مبتنی بر اصول عقاید اسلام است که در یک‌جهت حرکت می‌کند و جامعه بر اساس اصول اسلامی به سمت خدایی شدن پیش می‌رود. این گونه است که قرآن کریم روابط میان مؤمنان را روابط برادری ایمانی می‌داند (سوره حجرات: ۱). بر این اساس، نزدیکی "قرب" و دوری "جنب" بر اساس عقیده لحاظ می‌شود و مؤمنان به‌عنوان "ذوالقربی" و کافران، به‌عنوان "جنب" و دور معرفی می‌شوند.

۳-۳- معیار همسایگی در اسلام

همسایگی در اسلام به‌عنوان یک ارزش اجتماعی و اخلاقی بسیار مهم تلقی می‌شود. آموزه‌های دینی نه تنها بر احترام متقابل و محبت میان همسایگان تأکید دارند، بلکه مسلمانان را به کمک به یکدیگر در مواقع نیاز و مشکلات ترغیب می‌کنند. رفتار نیکو و ادب در روابط همسایگی، اساسی‌ترین اصل این تعاملات است. در این میان، رعایت حقوق یکدیگر و پرهیز از آزار و اذیت همسایگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در زیر جدولی از معیارهای همسایگی در اسلام ارائه شده است که می‌تواند به تبیین بیشتر این آموزه‌ها کمک کند:

جدول ۱: معیار همسایگی در اسلام

معیار همسایگی در اسلام	شرح	مرجع
احترام و محبت	همسایگان باید نسبت به یکدیگر احترام و محبت داشته باشند و از کلمات و اعمال آزاردهنده پرهیز کنند.	قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۳۶
کمک به همسایه	مسلمانان موظف‌اند در مواقع نیاز به همسایگان خود کمک کرده و در مشکلات و سختی‌ها یار و همراه یکدیگر باشند.	صحیح مسلم
ادب و رفتار نیکو	رفتارهای نیک و ادب در برخورد با همسایه از اصول اساسی همسایگی در اسلام است و باید با یکدیگر با نیکی و محبت رفتار کنند.	نهج البلاغه



دومین همایش شجره طیبه بسیج

بسیج و مردمی سازی در تقابل با نئولیبرالیسم

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - دانشگاه یزد

عدم مداخله در امور یکدیگر	مسلمانان باید در اعمال و رفتار همسایگان خود حدود مرزهایی را رعایت کنند و از دخالت در امور خصوصی دیگران بپرهیزند.	بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۴۶
تجدید رابطه و صمیمیت	تجدید رابطه و صمیمیت میان همسایگان از ارزش‌های اسلامی است که بر اساس آن مسلمانان باید به دیدوبازدید یکدیگر بپردازند.	صحیح بخاری
ملاصحه و مشاوره	همسایگان باید در امور اجتماعی و خانوادگی به مشاوره و ملاصحه یکدیگر بپردازند تا به افزایش همبستگی کمک کنند.	وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۰
پرهیز از آزار رساندن	مسلمانان باید از هرگونه آزار و آفت به همسایگان خود پرهیز کنند، چه به صورت کلامی و چه به صورت عملی.	قرآن کریم، سوره حشر، آیه ۱۰
حق طلبی	همسایه‌داری نیکو، به آزار نرساندن نیست، بلکه همسایه‌داری نیکو، در صبر بر آزار همسایه است.	امام کاظم (ع)
چهل خانه	همسایگان باید به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و از تضییع حقوق یکدیگر خودداری کنند.	مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۵
نوع و میزان حقوق	تا چهل خانه از روبه‌رو، پشت سر، طرف راست و سوی چپ، همسایه به حساب می‌آیند.	رسول اکرم (ص)
نزدیک‌تر بودن	همسایگان به سه گروه تقسیم می‌شوند: همسایه‌ای که یک حق دارد که حق او از دیگر همسایگان کمتر است و همسایه‌ای که دو حق دارد و همسایه‌ای که سه حق دارد. آن همسایه‌ای که یک حق دارد، همسایه‌ای غیرمسلمان است که خویشاوندی ندارد؛ او تنها حق همسایگی دارد. آن همسایه‌ای که دو حق دارد، همسایه مسلمان است که هم حق اسلام و هم حق همسایگی دارد. آن همسایه‌ای که سه حق دارد، همسایه مسلمان است که خویشاوندی نیز دارد که حق اسلام و حق همسایگی و خویشاوندی دارد.	رسول اکرم (ص)
	وقتی دو نفر هم‌زمان تو را دعوت کردند، دعوت کسی را که خانه‌اش نزدیک‌تر است، بپذیر؛ زیرا آن که خانه‌اش نزدیک‌تر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است، دعوت او را بپذیر.	رسول اکرم (ص)

۳-۴- اهمیت حقوق همسایگی

همسایگان در حقیقت نزدیک‌ترین بخش جامعه‌اند که هر خانواده‌ای با آن‌ها در ارتباط است و نیازها و مشکلات خود را با آن در میان می‌گذارد. در اسلام حقوق خاص و معینی برای همسایگان بیان شده است. از ویژگی‌های حق، این است که فایده متقابل دارد؛ چنین نیست که همسایه‌ای به عهده دیگران حقوقی داشته باشد، ولی خودش نسبت به مجاورین حقی بر عهده نداشته باشد، هر کس که تصور می‌کند به گردن دیگری حقی دارد، باید متوجه باشد که او نیز مدیون است. «بدان خدایی که جان محمد به ید قدرت و فرمان اوست، به حق همسایه نرسد جز کسی که خداوند متعال بروی رحمت کرده باشد». رعایت حال همسایگان در نظام معاشرتی اسلام اهمیت بالایی دارد. ارزش‌های دینی و بنیان‌های عقیدتی هر انسان مسلمانی، او را ملزم می‌کند که قلمرو محظوظ بودن از امکانات زندگی و نعمت‌های الهی را از محدوده چهاردیواری مسکونی خویش بیرون آورده و به محیط پیرامون و محله‌ای که در آن سکونت دارد، سرایت دهد. رعایت حقوق و آداب همسایگی، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی سالم خواهد شد که خود، بستر ساز ایجاد محبت، همدلی، جاذبه و همراهی میان افراد خواهد بود. ساماندهی روابط اجتماعی بر اساس اخلاق و اصول انسانی یکی از وجوه مهم الگوی روابط همسایگی از منظر اسلام به شمار می‌آید. این وجه مطابق فطرت و اصول اسلامی نیز هست. از برخی آیات قرآن کریم چنین برمی‌آید که در تعاملات اجتماعی به‌ویژه با کسانی که همواره در کنار هم به سر می‌برند و به‌عنوان همسایه شناخته می‌شوند، باید فراتر از اصول عقلانی عمل کرد و عواطف و احساسات در شکل معقول آن حاکم بر عملکرد و رفتارها باشد. از این‌رو، فراتر از احکام متعارف حقوقی که عقل صادر می‌کند، از مؤمنان خواسته شده تا رفتارها را بر اساس عواطف انسانی با همسایگان تنظیم کرده و سامان دهند. همچنین، قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد تا برای دستیابی



دومین همایش شجره طیبه بسیج

بسیج و مردمی سازی در تقابل با نئولیبرالیسم

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ - دانشگاه یزد

به مودت و برادری، بر اساس اصول انسانی و عواطف عمل شود. البته، اولویت نخست در این است که به همسایه مؤمن احسان شود تا هدف اصلی امت، خود را به نمایش گذارد (قنبری نیک، ۱۳۹۳).

۴- یافته‌ها

۴-۱- آثار و پیامدهای روابط همسایگی

همسایگی و روابط مرتبط با آن از مباحث مهم در ادیان الهی و تمدن‌های بشری به شمار می‌روند. این پدیده اجتماعی موجب شکل‌گیری روابط خاصی بین افراد و خانواده‌های همسایه می‌شود که فراتر از اشکال معمول زندگی اجتماعی است. در اسلام، این روابط دارای جایگاه ویژه‌ای هستند و بر مبنای اصول حقوقی و اخلاقی استوارند. تأثیر این روابط بر شخصیت و شیوه زندگی افراد، به‌ویژه کودکان، نوجوانان و بزرگسالان غیرقابل انکار است و می‌تواند به شکل‌گیری باورها و رفتارهای اجتماعی اثر بگذارد. جامعه‌ای که بر پایه همسایگی استوار باشد، در شکل‌گیری فرهنگ و تعاملات اجتماعی محله‌ها نقش بسزایی دارد و می‌تواند بر آسیب‌پذیری‌ها و امنیت روانی افراد تأثیر بگذارد. همسایگان در فقر یا غنای فرهنگی محل، بر آرامش، سلامت روان و احساس امنیت یکدیگر تأثیر گذارند. از دیدگاه اسلامی، روابط بین همسایگان می‌تواند با ابعاد انسانی مانند رفاقت، مهربانی، تعهد و همدلی شکل بگیرد. این روابط اگر بر اساس وظایف اخلاقی اجرا شوند، به نفع همسایگان و جامعه خواهد بود، در غیر این صورت، می‌تواند نتایج منفی به همراه داشته باشد. در جدول ۲ برخی آثار مطلوب و نامطلوب روابط همسایگی ذکر شده است:

جدول ۲: آثار روابط همسایگی

آثار مطلوب روابط همسایگی		آثار مطلوب روابط همسایگی	
آثار غیرمستقیم	آثار مستقیم	آثار غیرمستقیم	آثار مستقیم
شکل‌گیری شخصیت منفی	فقدان امنیت روحی و روانی	تغییر نگرش	تألیف قلوب
بیماری‌های جسمی و زیستی	کشمکش و نزاع	مایه‌ی دفع بلا	امنیت جانی، مالی، روانی
تاریک شدن دل‌ها	رشد و افزایش رفتارهای منفی	افزایش رزق و روزی	ثبات اجتماعی
شراکت در عقوبات اخروی	بدنام شدن جامعه	آمزش گناهان	آبادی جامعه (محله)
-	-	تقلیدپذیری	مشارکت اجتماعی
-	-	ایجاد همبستگی	رفع محرومیت

۴-۲- اهمیت حیاط مرکزی در خانه‌های سنتی

وجود حیاط مرکزی در خانه‌های سنتی، به‌ویژه در فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی، به‌عنوان یک عنصر کلیدی شناخته می‌شود. این فضا، علاوه بر تأمین نیازهای فضایی ساکنین، نقش مهمی در تسهیل تعاملات اجتماعی و تقویت روابط همسایگی ایفا می‌کند. حیاط مرکزی به‌عنوان مدلی برای زندگی اجتماعی در خانه‌های سنتی، فضایی است که اعضای خانواده و همسایگان می‌توانند در آن فعالیت‌های روزمره را انجام دهند و با یکدیگر در ارتباط باشند. این فضا شامل باغ، درختان و گاهی حوضی برای جمع شدن افراد خانواده و دوستان است که به ایجاد فضایی صمیمی و دوستانه کمک می‌کند. با تأمین حیاط مرکزی، حس مشترک بودن و تعلق به یک جامعه شکل می‌گیرد. ساکنین به‌راحتی می‌توانند با همسایگان خود ارتباط برقرار کنند و در این فضا به تبادل نظر بپردازند. چنین فضاهایی معمولاً به‌عنوان مکان‌هایی برای برگزاری مراسم‌های سنتی و جشن‌ها نیز عمل می‌کنند که این خود موجب تقویت روابط اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، حیاط‌های مرکزی به‌نوعی حریم خصوصی برای ساکنین نیز فراهم می‌کنند. آن‌ها فضایی امن و آرام برای اعضای خانواده ایجاد می‌کنند که در عین حال به آن‌ها امکان تعامل با همسایگان را نیز می‌دهند. بدین ترتیب، نه تنها حیاط مرکزی یک فضای عمومی است، بلکه به‌عنوان یک حریم خصوصی نیز عمل می‌کند، از



سوی دیگر، وجود حیاط مرکزی به رعایت حقوق همسایگان کمک می‌کند. در این فضا، ساکنین می‌توانند به راحتی قوانین ناپسند همسایگی یا نیازهای یکدیگر را مشاهده و مورد بحث قرار دهند. این امر موجب تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش اختلافات فردی می‌شود. در نهایت، حیاط‌های مرکزی نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی ساکنین ایفا می‌کنند. این فضاها می‌توانند به کاهش استرس و افزایش شادی کمک کنند، زیرا افراد در این محیط‌ها فرصت بیشتری برای ارتباط با یکدیگر و تبادل احساسات دارند. به این ترتیب، حیاط مرکزی در خانه‌های سنتی، تنها فضایی برای سکونت نیست، بلکه مکانی برای تقویت تعاملات اجتماعی و رعایت حقوق همسایگان به شمار می‌آید. این نوع فضاها به ایجاد روابط مثبت و مستمر میان ساکنین کمک می‌کند و بر اساس اصول انسانی و اجتماعی بنا شده است.

۳-۴- نقش حیاط‌های مرکزی معاصر در تعاملات اجتماعی

فرم حیاط بزرگ به ایجاد پایداری اجتماعی از طریق روابط موفق بین ساکنین کمک می‌کند. حیاط‌ها نه تنها جنبه‌های عملی زندگی روزمره را در بر می‌گیرند، بلکه به شکلی پیچیده از فضاهای سبز با کیفیت و آزاد نیز استفاده می‌کنند. طراحی خانه‌های با حیاط به گونه‌ای است که فضای عمومی برای تعامل اجتماعی افراد فراهم می‌آورد و در عین حال به عنوان مجموعه‌ای در برابر تقسیم‌بندی‌های اجتماعی-فضایی عمل می‌کند. در بلوک‌های شهری معاصر، حیاط به عنوان یک فضای جمعی، قابلیت‌های فضایی لازم برای تحقق نمادی از زندگی جمعی را فراهم می‌آورد که شامل نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی متعدد در زندگی ساکنین است. به عنوان مثال، در وین، برخی از ساختمان‌ها در داخل حیاط خود عناصر و امکانات شهری را جای داده‌اند که به زندگی روزمره ساکنان کمک می‌کند. علاوه بر این، برخی از حیاط‌ها امکانات جمعی مرتبط با زندگی روزمره مانند استراحتگاه‌ها، مهدکودک‌ها، خشک‌شویی‌ها، حمام‌های عمومی، تعاونی‌ها، درمانگاه‌ها، استخرهای کودکان و اتاق‌های مشترک و همچنین کتابخانه‌های محلی را شامل می‌شوند. وجود این امکانات مشترک و فضاهای جمعی می‌تواند به رفع موانع اجتماعی بین ساکنان و جوامع گسترده‌تر کمک کند. در واقع، فضاهای جمعی حیاط به عنوان "اتاق نشیمن در فضای باز" عمل می‌کند. این استفاده از حیاط به عنوان تجمع فضاهای عمومی و خصوصی، هویت اجتماعی ساکنان را تقویت می‌کند و فضایی را برای تعاملات اجتماعی معنادار و گسترش ارتباطات فراهم می‌آورد (Alessandro, 2016). به طور کلی، حیاط‌های معاصر نه تنها به عنوان فضایی برای سکونت بلکه به عنوان محیطی برای ایجاد ارتباطات و همبستگی‌های اجتماعی عمل می‌کنند که به زندگی بهتر و متعادل‌تری برای ساکنین منجر می‌شود. در نتیجه، حیاط‌ها می‌توانند به عنوان کانون‌هایی برای تقویت تعاملات اجتماعی، ایجاد حس جمعی و حمایت از روابط همسایگی در جوامع مدرن استفاده شوند و به عنوان فضایی برای تسهیل تبادل نظر و مشارکت‌های اجتماعی عمل کنند. این رویکرد به ویژه در دنیای امروزی که افراد به دنبال ایجاد ذخیره‌های اجتماعی و ارتقاء کیفیت‌های زندگی هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

۴-۴- ویژگی خانه‌های حیاطدار در وین و دمشق

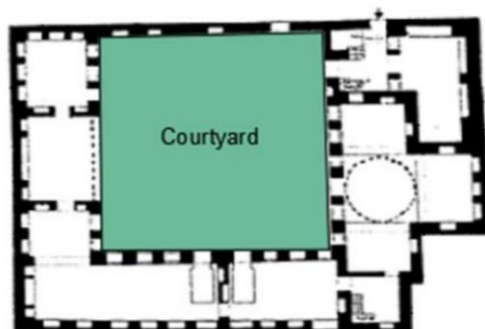
خانه‌های حیاطدار در بسیاری از فرهنگ‌ها و مناطق جهان به عنوان نمادهای زندگی اجتماعی و تعاملات انسانی شناخته می‌شوند. این خانه‌ها به ویژه در دمشق و وین، با ویژگی‌های خاص خود، جایگاه مهمی در تاریخ و فرهنگ محلی دارند. در دمشق، خانه‌های حیاطدار به دلیل طراحی سنتی و رعایت حریم خصوصی، مکانی برای ارتباطات خانوادگی و اجتماعی بوده و با عناصر طبیعی مانند باغ‌ها و حوض‌ها زینت یافته‌اند. از سوی دیگر، خانه‌های حیاطدار در وین به عنوان فضاهای مدرن‌تر با امکانات متنوع اجتماعی، شامل فضاهای عمومی و خصوصی، شناخته می‌شوند. این خانه‌ها نه تنها با ساختارهای زیبا و کاربردی خود، بلکه با ارائه زمینه‌ای برای زندگی اجتماعی و فرهنگ غنی ساکنین، ارزشمند هستند. در جدول ۳ برخی از ویژگی‌های خانه‌های حیاطدار در دمشق و وین ارائه شده که این ویژگی‌ها شامل جنبه‌های اجتماعی و کارکردی آن‌ها هستند:

جدول ۳: ویژگی خانه‌های حیاطدار در وین و دمشق

ویژگی	خانه‌های حیاطدار در دمشق	خانه‌های حیاطدار در وین
فضاهای داخلی	اتاق‌های متصل به حیاط مرکزی و پنجره‌های بزرگ که نور طبیعی را تأمین می‌کنند.	اتاق‌های بزرگ و عریض با پنجره‌های عریض به سمت حیاط و فضاهای مشترک.
حیاط مرکزی	حیاط مرکزی کوچک و محصور با دیوارهای بلند برای حفظ حریم خصوصی و امنیت.	حیاط‌های بزرگ که امکان استفاده از آن‌ها برای فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی وجود دارد.
نقش اجتماعی	به‌عنوان مرکز خانواده و اجتماع محلی برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی.	فضای جمعی برای برگزاری رویدادها و اجتماعات، مانند جشن‌ها و ملاقات‌های خانوادگی.
عناصر طبیعی	وجود باغ، درختان و گاهی حوض که روح و زیبایی طبیعی به فضا می‌دهد.	استفاده از گیاهان و فضاهای سبز برای بهبود کیفیت بصری و هوای حیاط.
امکانات	وجود امکانات محلی مانند حمام‌ها، آشپزخانه‌های مشترک و اتاق‌های خواب.	امکانات مدرن شامل استراحتگاه‌ها، کتابخانه‌ها و فضای بازی برای کودکان.
حفظ حریم خصوصی	طرح به‌گونه‌ای است که حس حریم خصوصی را در کنار فضاهای عمومی تقویت می‌کند.	طراحی معمارانه که به حفظ حریم خصوصی ساکنین در کنار فضاهای جمعی کمک می‌کند.
سازگاری با اقلیم	طراحی به‌گونه‌ای است که از خنکی حیاط‌های بزرگ در تابستان و گرمای کم در زمستان بهره‌برداری می‌کند.	استفاده از طراحی‌های اکولوژیک و سازگاری با شرایط جوی و اقلیم سردتر.
نقش فرهنگی	منعکس‌کننده تاریخ و فرهنگ غنی دمشق، با تأکید بر سنت‌های خانوادگی و اجتماعی.	نمایانگر فرهنگ اروپایی با ترکیب جنبش مدرن و احترام به تاریخ.

۴-۵- خانه‌های حیاطدار سنتی در دمشق

خانه‌های حیاطدار در دمشق برای نخستین بار سه هزار سال پیش به دنبال تأثیرات زندگی عشایری ظاهر شدند و فضاهای باز را به خود اضافه کردند. این نوع طراحی به تحقق یک رابطه دلپذیر بین فضای داخلی و خارجی کمک کرده است. درواقع، حیاط‌ها به‌عنوان یک گونه‌شناسی پاسخگو به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در ساختار فضایی شهرهای تاریخی عمل می‌کردند. ساکنان به ساخت خانه‌های حیاطدار می‌پرداختند نه به‌منظور نمایش ثروت یا موقعیت اجتماعی، بلکه برای زندگی در هماهنگی با دیدگاه‌ها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خود، علاوه بر این، معیارهای اجتماعی، سنتی و مذهبی، به شکل‌گیری معنا و اهمیت حیاط در بافت شهری کمک می‌کردند. تمرکز اصلی بر موقعیت خانواده و حفظ حریم خصوصی، با نمایشی حداقلی از وضعیت اجتماعی ساکنان در دنیای بیرون همراه بود. اهمیت حیاط به‌عنوان یک عنصر کاربردی در این جمله از حسن فتحی خلاصه می‌شود: «اما برای عرب‌ها، به‌ویژه، حیاط چیزی فراتر از یک وسیله برای فراهم آوردن حریم خصوصی و حفاظت است؛ مانند گنبد، بخشی از یک عالم کوچک است که با نظم خود، مجاور آن جهان است». علاوه بر جنبه‌های خصوصی، حیاط‌ها به‌عنوان عنصری در ساختار شهری، افراد از طبقات اجتماعی و ادیان مختلف را به شیوه‌ای نامتجانس، اما هماهنگ، گرد هم می‌آورده‌اند؛ این هماهنگی به‌واسطه تعاملات اجتماعی خود ساکنین شکل می‌گرفته است. این نوع مسکن الگویی از یک بافت شهری تشکیل می‌دهد که در آن فقرا و ثروتمندان، مسلمانان و مسیحیان در کنار یکدیگر و در خانه‌های متنوع و نزدیک به هم زندگی می‌کنند. این حس همسایگی و تعاملات اجتماعی به ترویج زندگی مسالمت‌آمیز، همکاری و همزیستی منجر شده و پتانسیل ایجاد جوامع پایدار را به وجود می‌آورد (Kalfaoğlu Hatipoğlu, & Shorouk, ۲۰۲۱). شکل زیر طرح حیاط سنتی دمشق را نشان می‌دهد:



شکل ۱: طرح حیاط سنتی در دمشق



شکل ۲: سلسله مراتب خاص هرم از فضای عمومی تا خصوصی در شهر دمشق

مدرنیزاسیون تأثیرات منفی بر مسکن در دمشق دارد. از قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم، تحولات قابل توجهی در این زمینه مشاهده می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز معماری محلی در مناطق شهری، استفاده از خانه‌های چندطبقه با سیستم دسترسی از طریق راه‌پله‌ها است. اگرچه ساختمان‌های مدرن به عنوان راه‌حلی برای بهبود شرایط زندگی و ارائه خدمات بنیادی مانند بهداشت و برق شناخته می‌شوند، اما تأثیر منفی آن‌ها بر تضعیف فرهنگ و هویت و شهری جامعه محلی مشهود است. جایگزینی نوع‌شناسی سنتی حیاطدار با مدل‌های اقتصادی و سودآور، وضعیتی نگران‌کننده می‌آفریند. برخی نوآوری‌های فنی بدون رعایت اصول فضایی گذشته و نیازها و ارزش‌های انسانی طراحی شده‌اند. همچنین، معماران به ندرت انتقادات جدی درباره تناسب فرم ساختمان‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌کنند. فقدان گفتگوهای انتقادی درباره محیط ساخته‌شده در دمشق به شیوه‌های توسعه‌ای منجر می‌شود که عواقب وخیمی به دنبال دارد. علاوه بر این، جنبش شهری به تدریج فضاهای عمومی و عناصر سبز را قربانی بلوک‌های سیمانی کرده و حیاط‌ها که پیوندی بین فضای داخلی و بیرونی فراهم می‌کردند، نادیده می‌گیرند. این امر تأثیر منفی بر زندگی اجتماعی مردم دارد و آن‌ها را به درون‌گرایی و انزوا سوق می‌دهد. این تغییر در الگوی مسکن شهری نظم اجتماعی و کالبدی شهرهای تاریخی را مختل کرده و روابط اجتماعی را تضعیف می‌کند. تحولات در مدل‌های مسکن و الگوی شهری، مشکلاتی را برای جامعه به وجود آورده است. از نظر هویت، سکونتگاه‌های نامناسب فرهنگی ایجاد شده‌اند که هیچ معنایی برای ساکنان ندارند و به انحصار و کلایه‌سازی مبتنی‌اند. به گزارش مکتول (۱۳۹۵)، مردم در الگوی جدید شهری به زندگی در خانه‌های سیمانی محدود شده و به جای احساس جامعه، تنها تجمعات سطحی را تجربه می‌کنند (Kalfaoğlu Hatipoğlu, ۲۰۲۱).

۴-۶- خانه‌های حیاطدار در وین (اروپا) با بازتاب‌های معاصر

خانه‌های حیاطدار در وین نمایانگر تحول چشمگیر اجتماعی این شهر هستند و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها در بافت شهری به وضوح قابل مشاهده است. طراحی این خانه‌ها به گونه‌ای است که حداکثر استفاده از نور طبیعی و فضاهای باز را ممکن می‌سازد و به خلق محیط‌هایی دلپذیر و کاربرپسند برای زندگی کمک می‌کند. حیاط‌های مرکزی این ساختمان‌ها به عنوان نقاط

کانونی اجتماعی عمل می کنند، جایی که ساکنان می توانند به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این فضاها مکان های مناسبی برای برگزاری رویدادهای اجتماعی، میهمانی ها و فعالیت های خانوادگی به شمار می روند و نقش مهمی در تقویت پیوندهای اجتماعی ایفا می کنند. طراحی حیاط های وین همچنین به بهره برداری از عناصر طبیعی مانند باغ ها و فضاهای سبز تأکید دارد. این عناصر علاوه بر زیبایی، به بهبود کیفیت زندگی ساکنان و ایجاد حس سرزندگی در فضا کمک می کنند. تهویه مناسب و جریان هوا نیز بخش مهمی از این طراحی ها محسوب می شود که به راحتی و آسایش ساکنان کمک می کند. در قرن بیستم، خانه های حیاطدار وین به نمونه هایی از همزیستی مناسب و کیفیت بالای زندگی تبدیل شدند (Kalfaoğlu & Shorouk, ۲۰۲۱). این طراحی ها نشان دهنده پاسخگویی مداوم به نیازهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان در طول زمان هستند. با نگاهی به ظرفیت های اجتماعی این حیاط ها، می توانند به عنوان الگویی الهام بخش برای توسعه نوع شناسی حیاطدار در کشورهای مختلف مورد توجه قرار گیرند. برنامه ریزی دقیق و خلاقانه برای این فضاها می تواند نه تنها به تقویت روحیه اجتماع گرایی کمک کند، بلکه کیفیت زندگی شهری را نیز بهبود بخشد و به عنوان نقطه عطفی در ارتقاء کاربری های مسکونی مدرن در نظر گرفته شود.

۴-۷- پایداری خانه های حیاطدار در وین

رویکرد طراحی بر اساس نوع شناسی حیاط در طراحی مسکن امروزی همچنان حاکم است و با تفسیرهای مدرن، الگوی شهری قدیمی را ادامه می دهد. این طراحی به آزمایش های گونه شناختی متنوعی می انجامد که با مفهوم حیاط و الگوی شهری همخوانی دارد. طرح جامع Sonnwendviertel^۴ و تجسم سه بعدی آن، پیوستگی الگوی شهری محیط های قدیمی و طراحی های جدید را نشان می دهد:



شکل ۵: تجسم سه بعدی Sonnwendviertel نشان دهنده پیوستگی الگوی قبلی شهر



شکل ۴: طرح جامع Sonnwendviertel نشان دهنده پیوستگی الگوی قبلی شهر

این استمرار یکی از عواملی است که شهر وین را در حفظ آرامش اجتماعی^۵ موفق کرده و روندی به فرهنگ همگرایی تبدیل کرده است که تا به امروز ادامه دارد. وین به یک نمونه بین المللی از یکپارچگی اجتماعی بدل شده و ضرورت این یکپارچگی برای یک شهر عادلانه و پایدار را نشان می دهد. پروژه های بعد از دهه ۱۹۸۰، یکی از چهار رکن طراحی مسکن اجتماعی در این شهر را تضمین کرده و به عنوان برندگان مسابقات ساخته شده اند. پروژه های پیش از این نیز نشان دهنده موفقیت دوره خود هستند و این موفقیت به دلیل وجود حیاط های مشترک و تأمین کیفیت اجتماعی بوده است. در مجموع، همه این پروژه ها بر اهمیت حیاط به عنوان بخشی از طراحی تأکید دارند و نشان دهنده تداوم و پایداری مفهوم حیاط در فرآیند طراحی تا امروز هستند (Kalfaoğlu Hatipoğlu, & Shorouk, ۲۰۲۱). برخی پروژه های دارای حیاط در وین در ادامه آورده شده اند:

^۴ به زبان فارسی به معنی "منطقه ی جشن خورشید" یا "محل ی ورزش خورشید" است. این واژه معمولاً به یک منطقه خاص در وین اشاره دارد که به دلیل طراحی شهری و معماری خاصش شناخته می شود.

۱. (Reumannhof) رُمان هُوف ۱۹۲۴-۱۹۲۶

این پروژه شامل یک حیاط مرکزی در ورودی خود است که فضایی سبز را ارائه می دهد. علاوه بر این، فضاهای مشترکی برای تعامل اجتماعی مردم مانند فروشگاه‌ها، کافه‌ها و فضایی برای فعالیت‌های اجتماعی فراهم می کند.



شکل ۶: پروژه رمان هوف

۲. (Washington hof) واشنگتن هاف ۱۹۲۵-۱۹۳۰

جورج واشنگتن هاف به عنوان نمادی از دموکراسی اجتماعی ساخته شد. این مجموعه شامل پنج حیاط است که در کنار هم قرار دارند و با فضاهای سبز فراوان احاطه شده‌اند و توسط دو خیابان قطع می شوند. هدف از این پروژه، ایجاد نمونه‌ای در زمینه ادامه ساختار شهری موجود در شهر بوده است.



شکل ۷: پروژه واشنگتن هاف

۳. (Wohnregal) وون ریگال ۱۹۹۹

طبق گفته‌های معمار پروژه، Wohnregal قصد دارد که "چارچوبی را تعیین کند که در آن مردم بتوانند دورهم جمع شوند." این هدف با طراحی حیاطی که مناسب سبک زندگی ساکنان و نیازهای معاصر آن‌ها باشد، محقق شده است.



شکل ۸: پروژه وون ریگال

۴. (Wohn- und Geschäftshaus Aspern) وون-اوند گشت هوس آسپرن ۲۰۱۳-۲۰۱۵

آسپرنسیستات از پنج ساختمان دور یک حیاط تشکیل شده است و بر توجه ویژه به تعامل اجتماعی و کیفیت زندگی تمرکز دارد. حیاط به گونه ای طراحی شده که نیمکت های سایه دار و فضاهای دنجی را در میان شلوغی شهری فراهم کند. علاوه بر این، این حیاط نقش اصلی را به عنوان یک مرکز مشترک ایفا می کند که کیفیت زندگی را افزایش می دهد و درعین حال تعامل اجتماعی بین ساکنان را تضمین می کند.



شکل ۹: پروژه وون-اوند گشت هوس آسپرن

۵. (Stavangergasse) استاوانگرگاسه ۲۰۱۵-۲۰۱۸

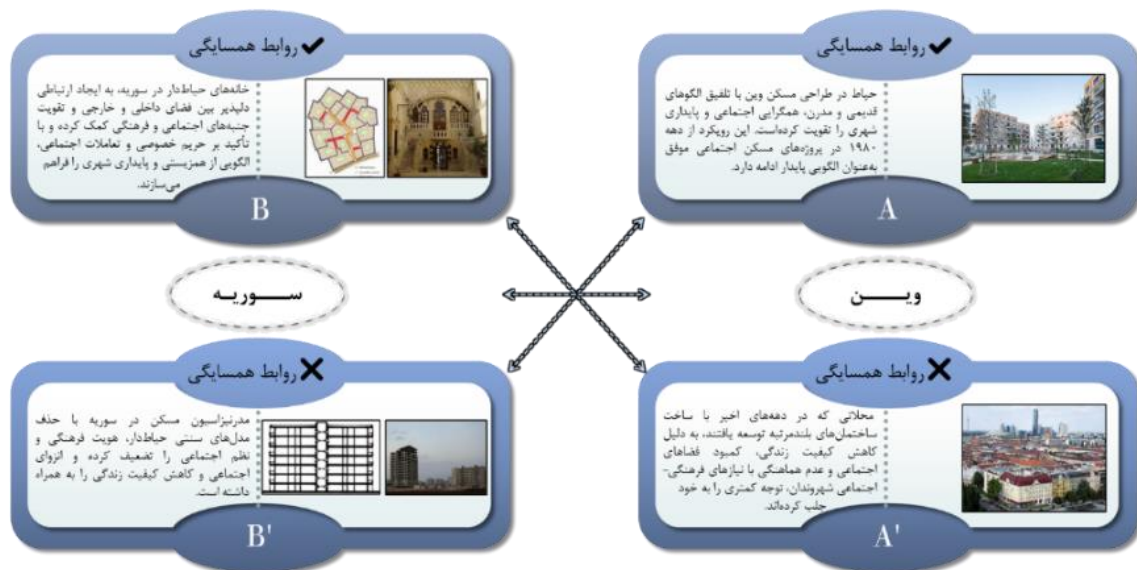
این پروژه شامل چهار ساختمان است که به چهار حیاط سرسبز باز می شود و ساکنان می توانند در آن ها گرد هم آیند. شکل گیری دقیق ساختمان ها در کنار حیاط ها، فضایی قابل زندگی و ساختاری مناسب ایجاد می کند. علاوه بر این، حیاط ها چارچوب مناسبی برای شبکه های اجتماعی فراهم می کنند. آن ها با اتاق های مشترک کار می کنند تا از گردهمایی های رسمی و غیررسمی حمایت کنند. همچنین، این حیاط ها مناطق آرام و گرمی را برای دورهم جمع شدن فراهم می کنند.



شکل ۱۰: پروژه استاوانگرگاسه

۵- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات مدرنیزاسیون بر کیفیت زندگی و فضای شهری در دمشق و وین پرداخته و نتایج آن نشان می‌دهد که برخی از محله‌های وین، به دلیل عدم توجه به طراحی‌های انسانی محور، دچار مشکلاتی همچون کاهش کیفیت زندگی و کمبود فضاهای اجتماعی گردیده‌اند. به‌طور خاص، محله‌هایی نظیر Donau City، Monte La، و Wienerberg که به دلیل ترافیک بالا و کمبود فضاهای اجتماعی کافی شناخته شده‌اند، نتوانسته‌اند به نیازهای اجتماعی شهروندان پاسخ دهند و از این‌رو از محبوبیت کمتری برخوردار هستند. این محله‌ها، علی‌رغم طراحی پیشرفته، با کمبود فضاهای عمومی و عدم امکان تعاملات اجتماعی، زندگی ساکنان را تحت تأثیر منفی قرار داده‌اند. در مقابل، محله‌هایی چون: Washingtonhof، Reumannhof و Stavangergasse و... توجه بیشتری به طراحی حیاط‌محور و ایجاد فضاهای مشترک داشته و محیط‌های مناسب‌تری برای روابط اجتماعی و احساس جامعه فراهم کرده‌اند. اهمیت این طراحی‌های انسانی محور در ساخت و توسعه شهری به‌وضوح قابل‌مشاهده است. کاهش کیفیت زندگی ناشی از مدرنیزاسیون در دمشق نیز، با جایگزینی مدل‌های سنتی حیاط‌دار با ساختمان‌های مدرن سودآور، هویت فرهنگی و نظم اجتماعی را تضعیف کرده است. این تغییرات نه تنها فضاهای عمومی و سبز را قربانی کرده، بلکه به انزوای اجتماعی و مشکلاتی در الگوی شهری منجر شده است. در این راستا، خانه‌های حیاط‌دار در دمشق که با تأثیر از زندگی عشایری طراحی شده‌اند، به ایجاد ارتباطی دلپذیر بین فضای داخلی و خارجی و تقویت جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی کمک کرده‌اند. این طراحی، با تأکید بر حریم خصوصی و تعاملات اجتماعی، الگویی از همزیستی و پایداری شهری را فراهم می‌سازد. شکل زیر به‌طور مختصر این موضوع را نشان داده است:



شکل ۱۱: وجود و فقدان روابط همسایگی در وین و دمشق

نتایج این پژوهش به چند نکته کلیدی اشاره دارد: نخست اینکه الگوهایی در شهرها که مبتنی بر روابط همسایگی بوده‌اند، حتی در شهرهایی که وجود اسلام در آن‌ها حتمی نبوده، موفقیت بیشتری را تجربه کرده‌اند و هر جا که روابط همسایگی وجود نداشته، حتی اگر وجود اسلام در آن حتمی بوده، موفقیت کمتری دیده شده است. دوم اینکه انسان به‌عنوان موجودی حی متاله با فطرت خداجویی، همواره به دنبال عبودیت محوری است؛ درنهایت این روابط همسایگی و اجتماع‌محوری می‌تواند در قالب یک کمر بند محافظ، در الگوی پیشبرد دانش شهرسازی قرار گیرد و به تقویت هسته‌ی مقاوم آن، یعنی توجه به عالم به بالا، کمک شایانی کند. در نتیجه، ضرورت ایجاد فضاهای شهری که نیازهای اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها را تقویت کند، امری مهم و ضروری است.



۶- منابع

۱. قرآن کریم
۲. صحیح بخاری
۳. نهج البلاغه
۴. وسائل الشیعه
۵. مستدرک الوسائل
۶. بحار الأنوار
۷. فرهنگ لغت دهخدا
۸. فاضلی، م. (1382). مصرف و سبک زندگی قم: صبح صادق.
۹. قرآن کریم. (103). سوره آل عمران.
۱۰. قنبری نیک، س. (1393). روابط همسایگی در سبک زندگی اسلامی.
۱۱. کاویانی، م. (1387). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم.
۱۲. مصطفوی، ح. (1368). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم.
۱۳. مهدوی کنی، م. (1387). دین و سبک زندگی. تهران.
۱۴. عبدالحمید نقره کار. (۱۳۹۶). نسبت اسلام با مراحل پنجگانه در فرایندهای انسانی.
15. Mohammad Shorouk و Hatice Kalfaoğlu Hatipoğlu. (۲۰۲۱). *Courtyard in Contemporary Multi-Unit Housing: Residential Quality with Sustainability and Sense of Community*.
16. Porotto Alessandro. (۲۰۱۶). *Utopia and Vision*. Vienna and Frankfurt.